

دفاع در مقابل تعرض

در مکتب اسلامی و مکتب حقوقی

امیرفیض- حقوقدان

در این تحریر نسبتاً تحقیقی، تعرض، بدان معنا گرفته شده که به حق و یا موقعیت کسی دست اندازی شود ولی فاقد اقدامات فیزیکی باشد که در آن صورت تهاجم می‌شود نه تعرض.

در مبارزات سیاسی و حتی در منازعاتی که به تهاجم و جنگ ممکن است منتهی شود همواره تعرض بسیار نقش کارسازی داشته است و در واقع تعرض موتور به حرکت در آوردن تهاجم است.

همانطور که جوامع برای جلوگیری از تهاجم و جنگ به اقداماتی معمول و آشنا و بعضاً حقوقی و مدون مبادرت میکنند که جلوی تهاجم سد گردد (منشور سازمان ملل متحد) در تعارضات به حق، هم همین قاعده وجود دارد یعنی یک طرف که خواهان تبدیل تعارض به تهاجم است تلاش مینماید تا بر دامنه تعارضات بیفزاید، و طرف مقابل هم سعی دارد که تعارضات را بلاجواب نگذارد، به این ترتیب عملاً بشریت در مقابل طریق هائی که مورد تائید میباشد قرار گرفته است.

برای اتصال موضوع

تهاجم شورشیان سال ۵۷ با تعرض به شاهنشاه و سلطنت و میثاقهای ملی و تاریخی و هویتی ما ایرانیان آغاز شد و چون در مقابل آن تعرضات سدی محکم وجود نداشت، ادامه آن زمینه را برای تبدیل تعرض به تهاجم فراهم ساخت.

البته نمیتوان گفت وجود نداشت؛ نامه رشیدی مطلق بوسیله وزیراطلاعات وقت داریوش همایون نوعی واکنش به تعرضات بود، ولی مردان و مدیران آن تعرضات بسیار ضعیف و وابسته به سیاست بیگانه بودند که خواستار جوابگویی به تعرضات به شاهنشاه نبودند و اساساً ظرفیت مدیریت آن کار را هم نداشتند.

تعرض را میتوان به رخنه در یک سد آبی تشبیه کرد، که اگر جلوگیری نشود سد را خواهد شکست شاید بهتر باشد که آغاز تعرض را تشبیه به عمل دزدانی کرد که برای اطمینان از اینکه درخانه کسی هست یا خیر سنگی به آن خانه میاندازند و اگر با واکنشی مواجه نشد، آنوقت تهاجم به خانه را آغاز میکنند.

در شورش ۵۷ ایرانیان در مقابل تعرضات قشریون مذهبی به سلطنت و شاه و میراثهای تاریخی و ملی و حتی ایران بی تفاوت بودند، در حالیکه نسخه الهی مقاومت در مقابل آن تعرض را قرآن ترسیم کرده بود که از آن بنام آرایش اسلامی یاد شده است.

آرایش اسلامی

نخست این اشاره بجاست که عنوان آرایش اسلامی، عنوانی است که از آیه ۱۰۸ سوره انعام گرفته شده است، نه اینکه تصور شود که ساخت این تحریر است.

آرایش اسلامی در آیات قرآن از جمله همان آیه ۱۰۸ سوره انعام نسخه ای است الهی برای ایستادگی در مقابل تعرضات؛ در آن نسخه آمده است:

«دشنام ندهید کسانی را که جز خداوند رایکتا میخوانند، که آنان نیز خداوند رابه نادانی دشنام دهند و این چنین آرایش دادیم برای هرگروهی رفتار آنان را تابازگشت بسوی خدا».

نسخه مندرج در آیه مزبور و نیز آیات ۶۰ سوره حج و ۱۲۷ سوره نحل و نیز تفسیر کرکی محقق ثانی واجد این معناست که اگر میخواهید به مقدسات شما توهین نشود به مقدسات آنها توهین نکنید.

چنانکه در آیات بالا ملاحظه دارید **نفس اهانت و اتهام دشنام** محکوم نشده بلکه مناسبت آن محکوم شده است و محکومیت مناسبت هم مشروط است به رعایت مناسبت از سوی طرف.

محقق ثانی، اولین کسی بود که لعن بر ابوبکر و عمر را ابداع کرد؛ تفسیری بر آیات مزبور آورد و گفت «لعن به ابوبکر و عمر و عثمان بکنید، تا وقتی که آنها به مقدسات شما اهانت و لعن نکرده اند و همینکه به این کار دست زدند باز دارید خود را از لعن و طعن به آنها».

برداشت از آرایش اسلامی

آرایش اسلامی راهنمایی و نسخه میدهد که در مقابل افتراها و تهمت ها و فحاشی های اهل تشیع به مقدسات ملی و میهنی ما، ما نباید ساکت و بی تفاوت بمانیم به اعتبار نسخه آرایش اسلامی بمنظور متنبه و ساکت کردن آن ها با تمام قدرت مقدسات مذهبی آنان را به فحش و فضاحت و اتهامات کشیده شود و در مجموع به توصیه قرآن که همان کلوخ انداز را پاداش سنگ است رفتار کرد - هرچیز که بر خود نمی پسندی بردیگران نپسند، ملاک رعایت آرایش اسلامی است.

راه آرایش اسلامی مراجعه به دادگاه و شکایت از معارضین نیست، نفی تعرض و اجتناب از فحاشی و اهانت و اتهام زدن به دیگران نیست، بلکه راه توقف آن مقابله به مثل توصیه شده است یعنی وقتی خمینی و ایادی او گفتند و نوشتند که شاهنشاه با خواهرزاده خودش ازدواج چهارم کرده است؛ جلوگیری از این تعرض بی شرمانه قشریون مذهبی؛ تعرض سخت و شدید به مقدسات آنهاست که تنها در این حالت است که تعرض مهار میشود.

حاشیه- مطلب بالا در سالهای انتشار سنگر بعنوان نسخه و راه کار برخورد با اتهامات و اهانت های به شاه و میهن و مقدسات ما بکرات مطرح شده است از جمله در سنگرهای ۳۰۱ و ۳۰۲ و ۳۰۳ + ۳۳۲ (پایان حاشیه)

اما بخش دیگر اتهامات

نسخه آرایش اسلامی قابل اجرا در محدوده کشورهای اسلامی است، آنگاه که تعرض به اعتبار و حیثیت افراد در خارج از کشورهای اسلامی صورت گیرد صورت مسئله متفاوت در مقابله با تعارض، خود نما میگردد.

در این حالت دوفرضیه قانونی و فلسفی وجود پیدا میکند:

فرضیه قانونی

همان حق تعقیب متجاوز و متعدی است، که با اقدام خود عمل، به حیثیت و اعتبار و اصالت و درستی فرد دیگری آسیب وارد ساخته است. این یک حق عرفی معتبر است که حیات اعتبار آنرا اعلامیه جهانی حقوق بشر هم تائید کرده است.

این فرض قانونی متضمن این حکم و معناست که اعتبار و شخصیت و اصالت افراد در حمایت از قانون قرار دارد و نمیتواند مورد تعرض واقع شود بنابراین کسانی عقیده دارند که درست است که حق تعقیب متعدی به اعتبار و حیثیت افراد از حقوق شخصی است، ولی بمناسبت اهمیت کلی آن در جامعه افراد نباید در حفظ آن بی احتیاط باشند؛ آنها عقیده دارند که صرف نظر از اینکه آن تعرضات نسبت به حقوق شخص و یا اشخاصی واحد است ولی تاثیر آن در آموزش اجتماعی و سوء استفاده دیگران امری عمومی است که سبب وسعت تعرض و مصونیت متعرضین میشود؛ و بیهقی در این مورد عبارت یاد داشتی دارد که گفته <با چنین سیاسیته باشد که جهانی را حفظ توان کرد.>

بقول شادروان سنگلجی:

هر که وهمی به وهم خلق افزود
خاطر عامه زو شود خشنود

وآنکه باری زدوش خلق انداخت
همچو سقراط جان خود راباخت

نظریه این گروه در شورش ۵۷ و پیامد های آن در کشورهای خارج کاملاً مصداق یافته است، اتهامات به خاندان پهلوی از جمله اعلیحضرت و علیاحضرت با تعقیب متعرضین روبرو نشد و به صیغه بی اهمیتی و نا کس بودن مفتی و متعرض استفاده شد (حالت فلسفی)، اثر تعرضی آن در حد محکمه صحرائی علیه اعلیحضرت مشاهده شد؛ که تصور نمیکنم خواننده این سطور بتواند فحش ها و تحقیر ها و اتهاماتی دیگری بیشتر از آنچه که آن نامردان، منکران حقیقت و انسانیت متوجه اعلیحضرت کرده اند بیابند.

(ببخشید این قسمت باید تجدید نظر بشود، در اعلامیه ای که بنام خسروچاوشی (یا جاوید آزادی) منتشر شده به اعلیحضرت عنوان هرزه داده شده است، هرزه در ردیف اتهامات و توهین های به اعلیحضرت در فحشنامه منکران نیست. هرزه به معنای خارج بودن از عقل و تفکر و مسئولیت است و از ه ای است که در معنای معادل بازن هرزاست که به معنای زن بدکاره است).

بنابراین فهرست اتهامات و اهانت های به اعلیحضرت که بشرح زیر بوده است:

دشمن با موجودیت ایران - دشمنی با ملت وناسیونالیسم ایرانی - مرگ برشاه - بیکاره - شارلاتان - احمق - کوته بین - بیسواد - پول پرست - خائن - بیشرف - بی آبرو - مفتضح - پشه - عروسک - حقه باز و غیرقابل اعتماد **توهین واتهام هرزبودن هم بنام خسرو چاوشی، ثبت میشود.**

بی حالی وبی توجهی سلطنت طلبان وبیشتر آدم های دبیرخانه اعلیحضرت سبب گردید که توهین و اهانت وتوجه اتهام به شخصیت های مورد احترام مردم بصورت امرعادی وحتى امری که سبب شخصیت متعددی هم میشود بتصور در آید و نتیجه این بی حالی این بود که اخیرا شخصی که بگفته خودش میخواهد به جمهوری اسلامی برگردد از علیاحضرت بعنوان تن فروش و از اعلیحضرت بنام هرزه یاد کرده است.

این ماجرا چیز ساده ای نیست مجرائی است برای تصور شخصیت در جامعه عوامی که بازار آن بسیار با مشتری است؛ چه راحت است که کسی با اهانت به علیاحضرت وعلیاحضرت نام وشهرتی کسب کند اگر این تعرض ازراه قانونی متوقف وبی اعتبارنگردد چرا نباید انتظارگسترش آنرا داشت، و اگر متعرض، تاسف واشتباه وعذرخواهی خودش را ابرازنکند چرا باید از تقرب واحترام برخوردار باشد.

تن فروشی که ازسوی خسروچاوشی (یا جاوید آزادی- هر دو امضا در ایمیل بود) به علیاحضرت نسبت داده شده، کسی است که با مردی قرار میگذارد که در ازای یک عمل جنسی مبلغی دریافت میکند، حتی فاحشه ای که قبل از عمل فحشاء نرخ گذاری نمیکند تن فروش نیست و زنی که با مردان متعدد میخواهد ولی انعامی عمل میکند، او هم تن فروش نیست تن فروشی کثیف ترین نوع فحشاء است که درمکتب شیعه بنام صیغه ویا متعه رواج دارد.

نسخه قانونی

نسخه قانونی که نسخه اخلاقی هم میتوان نامید، این است که متضرر تعرض باید خواستار اعاده حیثیت شود و این کار ظاهرا به دوطریق عمل میشود، اول اینکه متعرض از غفلت واشتباه خود اظهار ندامت وپشیمانی میکند و ازطرف درخواست بخشش را دارد.

طریق دیگر اینکه متضرر ازتعرض، متوسل به قانون میشود ومطالبه خسارت مادی مینماید وخسارت مورد حکم راهم پیشاپیش به مراکز خیریه شناخته شده میبخشد، تا آنها هم درتعقیب متهم مشارکت کنند.

کاری که بسیار معمول وسابقه داراست، که دراینصورت آن مرکز خیریه دست بردار از متهم نخواهد بود.

آقای چاوشی با نام مستعار یا «جاوید آزادی» به علیاحضرت گرامی اتهام تن فروشی داده است، خوب ثابت کند؛ در غیر اینصورت ممکن است به میلیون ها دلار بابت تعدی به حیثیت علیاحضرت محکوم شود، که پیشاپیش علیاحضرت آنرا به سازمان های خیریه بخشیده اند و آن سازمان ها تا آخر عمر آقای چاوشی (با هر نام دیگری)، یقیه ایشان را رها نخواهند کرد که بخشی از درآمدش را به آن سازمان

خیریه بدهد؛ آری اینطوری است که میشود جلوی امید داناها و چاوشی ها و آن ۵۰ نفر بی تعصب را گرفت و درسی گردد برای دیگران.

دفتر علیحضرت و علیاحضرت چرا کوتاهی میکنند چرامیترسند وواهمه دارند، قول میدهم که نه صرف پول زیادی لازم است ونه رفت و آمدی، به مجرد کشیدن این افراد سرخود وکم ظرفیت وبد دهن بدادگاه با اظهار ندامت آنها، دبیرخانه میتواند بزرگواری خودش را نشان بدهد، اما نه قبل ازعذرخواهی و تنبه آنان.^۱

ترور فیزیکی

آنچه در رابطه با اتهامات و فحاشی ها و کسر اعتبارات برخاندان سلطنت در خارج از کشور میگردد به مراتب بدتر از ترور فیزیکی آنها است؛ انسان بی شخصیت و بی اعتبار، انسان نیست ترور اعتبار و حیثیت به مراتب موثرتر از ترور فیزیکی است. در ترور فیزیکی هدف، از هدف بودن خارج میگردد ولی در ترور شخصیت، مدام شخصیت تراشیده میشود و عذاب آن فرافکنی است و اثرات آن به دیگران تاسی پذیر. بی حالی متصدیان و مامورین خدمت و حراست از علیحضرت و علیاحضرت، در حدی نمایان است که میتوان گفت اگر آنها هیچ محافظ و رئیس و کارمند و دبیرخانه نداشتند بیشتر مصون از تعرض بودند.

در اخبار سی ان ان شنیدیم که یک روزنامه که عکسهای مخصوصی از همسر ترامپ را منتشر کرده با تهدید ترامپ با خسارت ده ملیون دلاری مواجه شده و همین تهدید او سبب شده که دیگر مسئله تهاجم به همسر ترامپ ویا مسائل خصوصی خانواده او مهارشود؛ این قاعده طبیعی و عمومی است که اگر شما نگویند، نه؛ مردم سوارتان میشوند، از حق خودتان دفاع نکنید حتما بی حق میشوید، انسان حق و حقوقی دارد که یکی از آنها رعایت اصل احترام و برائت است چرا باید دبیرخانه و دفتر علیاحضرت به این اصول بی تفاوت باشند که سبب بوجود آمدن روشی بشود که هیچ جامعه ای و انسانی پذیرای آن نیست.

نسخه فلسفی

راه فلسفی همان است که به مسیح هم نسبت داده میشود و در ادبیات ما هم با سابقه است و آن بی اعتنائی به اتهامات و توهینها و در نهایت به تعرضات است و آن ها میگویند؛ باطل بالاخره از بین میرود، آنها فکر میکنند با طرح مطلب و ادعای حیثیت موضوع فراگیر میگردد، در حالیکه فراگیری مقدمه لازم برای نابود کردن است، آنها میگویند و لش کن، بیکاری سربسراین قبیل آدمها میگذاری، جواب ابلهان خاموشی است، به واق، واق سگ که نباید جواب داد، چیزی کسی گفته و رفته حال شما میخواهید آنرا باد بدهید که چی بشود، مردم خیلی چیزها میگویند بگویند ماه که زیرابرنیمانند و از این قبیل حرفها.

۱- در سال ۱۹۷۲-۱۹۷۳ روزنامه لوموند- فرانسه به نقل از روزنامه «کانار آن شنه» مرغابی افسار گسیخته» چاپ سویس مطالبی نوشته و به خواهر توامان شاهنشاه و الاحضرت اشرف توهین های زشت روا داشته بود و مظفر فیروز که در لوموند می نوشت آنها را دنبال کرده و تکرار کرده بود، لوموند به این فکر بود چون مظفر فیروز ایرانی است کسی روزنامه را تعقیب نخواهد کرد. روزنامه لوموند در دادگاه به پرداخت رقم بسیار سنگین به نرخ آنروز (یک میلیون دلار) خسارت محکوم شد، شیوه محاکمه به ترتیبی بود که قاضی نپذیرفت تا روزنامه بدون پرداخت خسارت بماند. به امر شاهنشاه جریمه لوموند به «یک دلار» کاهش داده شده ولی لوموند موظف شد مقاله های منصفانه و پوزش خواهی در همان برگ های خود تا چند سال (یادم نیست چند سال) منتشر کند تا جبران خسارت بشود. ح-ک

برخی هم عقیده دارند که طرح مسئله سبب ایجاد شهرت و نام آوری برای متعرض می‌گردد این نظریه درست نیست زیرا حسن شهرت سبب شهرت است نه سوء شهرت؛ نام قاتلین و متجاوزین به اموال عمومی غالباً در سطح وسیع اجتماع رسوب عمیق و حتی تاریخی باقی می‌گذارد؛ این نوع شهرت، شهرت کاذب و بدنامی است و هرچه وسیع تر سبب کسر شخصیت می‌شود و کسر شخصیت را تنفر و نفرت عمومی پرمیکند؛ در عبارت نهائی تجلیل از شخصیتها به مناسبت، کارهای خوب و درست از اسباب شهرت و اشتها شناخته می‌شود نه شهرت به کارهای بد و غیر اخلاقی نمونه آن شیخ صادق خلخالی است.

نتیجه مقاومت

هم اکنون که تحریر در مقام ختم است خبری دیدم که آقای جاوید آزادی (یا چاوشی ، هردو نام و امضا در ایمیلی توهین آمیز کنار هم آمده بود) مدعی شده که نامه منتشره از سوی ایشان مجعول است و ارتباطی به ایشان ندارد، همین ادعای ایشان که اولین اقدام همه متهمین، توسل به انکار است نتیجه تعقیب موضوع از جانب ایرانیان است، والا کُرکری های ایشان همچنان در تاریخ باقی و ثبت میماند و شاهدهی بدون جرح و رد درباره تن فروشی علیا حضرت شهبانو می‌گردد.

سخن آخرا بن تحریر

شخصیت های نمادینی در فرهنگ ما ایرانیان منتزع از ملت و کشور نیستند بی حرمتی به آنان در ماهیت، منتقل می‌گردد به ملت و کشور. به هیچ عذرویهاته ای نباید تجاوز و تعدی به شخصیت های نمادی ملت و کشور را سرسری گرفت، همانطور که نمیتوان تجاوز به کشور را سرسری گرفت، به همان وزن هم نمیتوان و نباید تعرض به شخصیت های نمادین کشور را بی اهمیت تلقی کرد، ما نمیتوانیم از فرهنگ و هویت ملی و تاریخ و میراثهای کهنمان حراست و دفاع کنیم درحالیکه ناظرو شاهد توجه کوهی از بی اعتباری ها و اتهامات و فحاشی ها به آن شخصیت ها هستیم .